

نویسندگان

سال سوم - شماره ۴۷ - ۲۴ شنبه ۵ مهر ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

(فوق العاده)

امواج اعتصاب به دیوار استبداد می کوبد

سیاسی قائل ملاحظه و باگاهای طبقاتی اقتصادی نیرومند و وسیعی برخوردار است این مکان را سه کلی نیز نمیتوان ساده گرفته رزم شاه چنان بود و پیوسته شده، چنانچه عیان خود را از دست داده یک تندباد شدیدی می تواند از او عبور کند. به علاوه تحققات اعتصاب سراسری عمومی که زمینه های واصل اجتماعی آنها را حاضر بسیار است. هدف اصلی که به با می رود، تشدید تظاهرات و تظاهرات شکفته در طی رزم، شکاف انداختن در نیروهای دفاع آن و هم تر آراین، فروریختن آوار مدهنی از مشکلات و مسائل برون تر از استه چهری از کمترین تشریح توان ترکیز حکومت و بسال شدن رومیه انقلابی جنبش توده هاست. وانگهی نیروهای واقعا ساز و آوازی جنبش هرگز نباید هیچ یک از شیوه های امکانی توده بیگانه را فرود گذارند. آنها در همین حال که در هر لحظه و مرحله، مناسب ترین وسایل و روش های مبارزه را با ارزیابی دقیق همه شرایط سیاسی و ذهنی به کار می گیرند، این استعداد و آمادگی را در خود نفی نمی کنند که با هر چرخش و تحول و تغییر در عرصه سبزی، هم آزار سرد و هم رومیه خویش را هماهنگی آن در گرسن سازند. یعنی دیگر چنین فیهده ای ایستگاه سازان را چنین همیشه و همه وقت با دست میزد استفاده از همه مقدرات و روی آوردن به اشکال گونه گون مبارزه، از ساز و آوازی این امتصابات سراسری گرفته، تا تدارک قیام و مراحل مالی آنها را با خند و طریقت بهره گیری از تمامی اشکال ها و رومیه ها را داشته باشند. جز این، هیچ حزب و سازمانی عمیقاً انقلابی بیگانه نیست چرا که بدون یک جنبش بیان ملی و انقلابی، هر سازمان حزب سیاسی بیگانه به دام مطلق گرایش می افتد و با مطلق کردن یک یا چند گرایش و روش مبارزه، امکانات ملی متضوع و فراوان روش انقلابی ایران می خورد و جنبش را در مسرا و اشکال محدودی که قوه ماکور است کار می بیند تا ترک راه حداقل می رسد، محسوس می سازد. این نویسنده

دچار و رکتگی و افلاک شده و سحران اقتصاد دوسو سیاسی و فرهنگی به اوج توارا تکبیری رسیده است در حالی که رزم مورد خشم و نفرت مردم، با باگاهای تباری از کمترین سواسی آن از هر وقت دیگر بیشتر و میان تر شده، و برای نجات خود به قیامت درین وسایل نظیر کودتا و حکومت نظامی است گشته است. نفسش را و اوج گیری مبارزات اجتماعی، به ویژه فضا ل شدن رزم کارگری در جنبش، پهران عمومی و مرکب رزم شاه را و در مویله کیفیتا نویی کا ملاحظه ترانی می سازد. نیروها این بار در پشت سد کودتا جمع می شود. فشارها و تا پذیرد دم به دم فروسی می گیرند. آن هکده نظم و پیگرد کودتا خود را در ویتلاسی می خورد و فرمی می برد. از پیروزی به پیروی نیست. ادامه موفقیت آمیز روند کتونی، چنین لطفه ای را در دستور روز قرار می دهد. برای اینکه جنبش لطفه ای محمل شود و زود تر فرارند، همه نیروهای ملی و دموکراتیک، همه سازمان ها، احزاب، گروه ها و جمعیت های سیاسی و منشی، همه عناصر آگاه و آزاد میوه ها بدینا همه توان و استکار خود می کنند. هر کارگاه، هر کارگاه، هر اداره و سازمان دولتی و خصوصی، هر دانشگاه و دانشکده، هر مدرسه و کلاس، هر گروه و مرکز فعال اجتماعی به یک سلول مبارزه، به یک گانگام اعتبار فعال لو بیک پارچه تبدیل خود و در امتداد اجتماعی در این مرحله از مبارزات استو و لشکر را به خلق های بیخانه مانه صورت یک رمان جدید، یک سلاح سبزی و هجوم یک سگرو واقعا متوسل و سوزید و تا شد و توشق قرار گیرد تا در ک دیده خود سار را به پاسد. اگر چه نمیتوان به طور قطع تصریح کرد که حتی نیروهای اجتماعی سراسری و عمومی، از پیروی را که نیروی قهر مند انقلابی آن تا این حد متشکر و سازمان یافته نیستند و تعلیم دیده است و به هر حال در دراز مدت به خنوع در آمدن و سکران و فوق العاده ای چسب و یادگیری ایجاد دارد، عمیقاً با طاعت می کند، اما آن یک سو با توجه به نفع های اساسی و تضادهای عمیق و حمل نشدنی و پایه های لوزان رزم و از سوی دیگر تراکم و قدرت نیروی مخالف آن که از آنکاسی

نبرد اقتصادی اوج گیرنده مدها هزار کارگر و کارمند و کاسب و بیخته و روو محل در سراسر کشور، نشانه نکتت عملی کودتای خونین ترورانه شاه - ساواک و نای انقلابی جنبش آزاد میوه ها و ملی میهنی است. دهم هزار کارگر را اعتصابات گسترده و سازمان یافته خود، به پیشامتن مفوف مبارزه اعتراضی و اجتماعی که موج آری موج بر دیوارهای کودتا و احتساق می کوبد، در حرکتند. آنها مبارزه را از کوه ها و جاسایها که به حرکت حکومت نظامی زبر ساه تا نکاه و سر نتر هاست به کارها به منتقل کرده است آنها نخستین طیفی بودند که ما هروش و نبردی فرزند های به موت حزب توده ایران یعنی سراسر ما را ن دادن اعتصابات عمومی و سراسری برای مقابله با کودتای نظامی شاه، برای از حرکت برداشتن چرخ های حکومت سراسری فلج گردیده استگاه ها و سازمان های احسانی و رفیق کردن نیروی مرکب و قهر ارتجاع خونین و خون آشام از طریق برپا شدن همراکت جدید و مقاومت و مبارزه، برای تاداب نگذاشتن رومیه مبارزه عمومی در مردم و تا بنین اسری انقلابی جنبش برای متضوع کردن شیوه ها و راه های بیگانه، پاسخ دادند و محورا ستواری برای نیروهای ملی و دموکراتیک که درگیر نبردها می ماند با استبداد سلطنتی هستند به وضوح آوردند. سازند توسعه سیاسی جنبش اجتماعی در سطوح مختلف اجتماعی، بهر این زمین میوه میبوی گنه گویا بیگانه رزم بود، جان نرو و هو لنگ تر شده است. در حالی که سرما به ها سارفت و کشتن سیاسی را در حال فرار از کتو رید، در حالی که به تا کدر ادوس لندن، روزانه حداقل هشتاد و هشتاد دلار از کارگر و خارج می خورد و تاب و رفیق حکومت را به صلح می برد. در حالی که صدور فروش نفت که هفتده ترین منبع درآمد رژیم مطلق شاه و شرکاست به خاطر ساختاری ایران بر سادده حساب رسا به سوز و سیردی آن به تر استیاری ما بر کسب لطفی و اسرا لیس جها سوار، به حداقل سالیانه اخیر رسیده و سراسر کسری بوده از رزم تکان می دهند. ده ملیا در دلار فرار گرفته است. در حالی که مملکت ممل

اعتصاب باشکوه ۲۰ هزار کارگر تاسیسات نفت

۱- امرایرست مدت درمسی سالیانه به یکاه
۲- بر داشت جن ارتقا کا رگان به خیر یکاه
۳- بر داشت با این شمال دیاه در سل (چون کارگان فرکت
۴- سوز و رومیه می گویند. سوز و رومیه به سرحایت مسعود ساجا
۵- امرایرست حله سحران از دست رفته ایستگاه عالی فرکت
۶- بر کارگی کتر سحران از دست رفته ایستگاه عالی فرکت
۷- سطره اعزاز و بر کارگی آرایان از دست رفته بهترین پرسلی روانه
۸- کارگان در محل اعتصاب به تظاهرات آرام دست میزد و اوتل و
۹- پس چند بار تاسیسات و مناطق اعتصابی را ساطره کرده و در برابر کتونی
۱۰- و یکبارگی و هوشیار کارگان در سطره از بریز میانه باجایی گنه
۱۱- دستاویز شهادت و حالت ماجرای خود، تا کتو سوز شده اند. نباید کان
۱۲- منتصب (هر سند باگای کارگان گنه اند مقامات ترکند تا باید راسا به
۱۳- ما وارد ازمه خورد و تا بنین گنه حواسه ها اعتصاب به طور یکبار گنه
۱۴- ادامه خواهد یافت.
۱۵- کارگان کسب و نقل بریدر که گسار سوز که تحمل تدریجاً س
۱۶- مقام بر حیده دارند. صس اعلام حواسه های خود به رئیس این شرکت. روز
۱۷- میلند و اند اند اعلام داشته که اگر حواسه ها بنیان به سوز کا طر آ ورده
۱۸- شود اعتصاب خواهد کرد. این شرکت از نظر حل اعتصاب فراوان دارد
۱۹- کارگان ضمنتت در گسار سوز به سوز کا طر اعلام کرده و حواسه های
۲۰- آماده ای خود را تسلیم رئیس شرکت کرده اند. رئیس شرکت در اداره سا
۲۱- خاندان کارگان اعتصاب گفت که اسام حواسه ها صرف از نظر حریمت و
۲۲- باید مقامات بالا تر در تهران تصمیم بگیرد. به کار گزار های رسیده کارگان
۲۳- اعتراض در کارخانه حاضر می شوند. اما دست به کار نمی زنند.
۲۴- در حال حاضر گنه فست های بهره برداری، سوسیس حواسه های سوز به
۲۵- مقلان رئیس شناسی سطره برداری، کار گزار های سطره حواسه ها، امرایرست
۲۶- مستعدان و ادارات برق، مدها تاسیساتی، ادارات برق کسب و
۲۷- خویشاوندان در حال تعلیم در آمده و کار استخراج و عرصه نعت باطلات و
۲۸- مواج حصر دیو شده است.
۲۹- کارگان ایران از برادران کتو فرزند بیوزی برادران خود در تاسیسات
۳۰- نفت کتو در اعتصابات یکبارچه و سازمان یافته، به بازی آنها بنشیند. تنها
۳۱- نیز کتو و لولال نباید نیروی جامعه و سرچشمه همه نیروها و نعت
۳۲- اعتصابی هستند. اگر به هم پیوند به هیچ قدری تامل تا به برادران
۳۳- سوز سوزان از برادران کردن حواسه ها جان را دارند. با پیشامتن
۳۴- حسی اعتصابی همس و سوسیس حواسه خود هم به برادران هم سرچشمه حسی
۳۵- بازی رساجو هم به حسی مد اشتد ادنی وطن خود در این لحعات حسیان
۳۶- در برانسان تاج سوز و به در سایش.

رستوران کارخانه به سطره نگار و تکیه برخواست های حسی خویش کرده اند.
اما جود شهادت و تشدید ناموران سلاح رزم فرار گرفته.
به گنه کار کارگان در محل کارخانه ماجرای همراه با تاسیسات کاسل
و تانک، سطره شده بود که در نتیجه هوشیار کارگان در کتو پیش نیاید.
از طرف دیگر حدود ۲۰۰ نفر از کارکنان کارخانه برای بنیانشان از
خواست های کارگان و اعتراضی در دم تعلق حواسه های خود شان چهار
است که در اعتصاب خود را سر می برند. اعتصاب بر خروش و حق حواسه
کارگان مطلقاً کارخانه را به حال تعطیل در آورده است.
اکثر کارگان دست های گنه کتو شرکت نفعه در اهواز رومیه دیگر از
واحد های فعال شرکت در سایر شهرهای خویشاوند نیز از پیشانی اولی میرا
اعتصاب بر خور و از آغاز کرده اند. تنها نباید کان سطره سوز باگاسی
بر مایشی را اولی ند اند و از میان خود نیاید کان دیگر انتخاب کرده اند.
صده تریس سراز اعتصاب در حال حاضر شرکت حاسه مد ما نعت ایران
شرکت ملی نفت، شرکت ملی پخش و خطوط لوله، شرکت گاز و کارخانه است.
کارگان حواسه های حله ۱۶ گانه خود را به این شرح اعلام کرده اند:
۱- اسامه در سطره محامل ۵۰ در صند
۲- حل سالیانه ای دار لند محامل ۱ در صند. حقوق برای همه کارگان
۳- بر داشت حصر بی آب و مواد معدنی که به کارندان داده شده است.
۴- بر داشت گزاره خانه نظیر، با با کارگی سگن (به صورتی که سگن
ما جاده چهارم، بنیاد درواتق اداره کرد. به کارگان که وام سگن گرفتند
دم باید محامل دیگران گزاره خانه بر داشت شود
۵- واکر و مدها تاسیسات (سوسیس) با محامل بول به محامل سوسیس
کولر و یک اخلی گاز
۶- شرکت راسا تده
۷- حوسیس به گنه کارگان که کارسی دارند بر داشت شود
۸- ترمیم کا کتو در نیله در اسرع وقت بدین معنی گنه سطره
۹- اسامه سالیانه در سوسیس محامل کا رضی کان کار
۱۰- اسامه سوسیس تحماسی محسین کارگان که سوزان صس خود کارگان
تسلیم شود
۱۱- بر سوزی که به وضع مد ما نعت در مایشی. سطره حصر کارگان بهار و
انصای آماده شان در صورت مجاری، در بنیاد صصای های شرکت نفت -
استراژیستیک کشید که در امکن رست کارگان و توزیع در اهواز و سوسیس
با پیشرفت علم بر شش و در این:

درست و در بر مایشی ۲۰۰ کارگر اعتصابی با یک شگاه تهران بود صوم
و دهانه سطره های سلاح رزم فرار گرفته تا بنین به سطره اسمل کار خود پیرو
راه شده اند. بهین از ۲۰ هزار کارگرتاسیسات جن ایران در سراسر کشور
نهادی حریمتان و یکبارچه ای از آغاز کرده اند. این اعتصاب من طیفه گنه
نهادی حریمتان حوری طیفه کارگران در آن حسی اند است اینها در سوز
با صلیغ نعت از ان شیران تا اهواز، از گساران تا آقاجاری و با بازی مرا
گوت و کتو سوز های یکی از بهترین وسایح ترین تاسیسات تولیدی
کتو در چهار محال کرد. اعتصابی با بنین سطره و حواسه سازان با نکتی
در مبارزات کارگی سالیانه اخیر ایران به سطره است و پیروزی های آورده
در سطره های متعدد، طیفه جدیدی را به روی حسی کارگی ایران
بگشاید.
اعتصاب ۲۰ هزار کارگرتاسیسات نفت در شرایط سازمان یافته است گنه
نیم در حال حصر و حفت نشین است و در بر صص و کتو ریش. ما نعت
گنه آمدنی حسی و حوری و تار و تار کارگان مبارز دارند. اعتصاب
طیفه سطره برای حوری نبرد اعتصابی سطره و کتو کارگان تاسیسات
عدا در این حال که از تاهای سیاسی کارگان مملکت می کند از این
صص به سطره اهمیت شایان است که این مبارزات صص مطلقاً به حمایت از
کارگان اعتصابی با یک شگاه تهران بر مایشی است. کارگان به بازی کارگان
راه اند و هر که در نتیجه ریزیانه و مبارزات طولانی طیفه خویش مطلقاً
برای نعت که طیفه کارگرتاسیسات نفتی و طیفه ای خود نیست و در
شرایط حکومت پلیس که هر ریزیانه به بهای آزادی های سیاسی و انصای
سوز در مایشی، تندی به بازی اعتماد و تشریح ساسی هر چه بیشتر کارگان
سازمان دمی بر شکیا و یاد نشی نظیر، بنیان در سوسیس مبارزات صسی و
ظواهری و روشی و امید بخیر کرد. اما به حرکت در آمدن، بهر کارگرتاسیسات
در لطفه های سیاسی مبارزات صص اشتد ادنی می بیند و در شرایط گنه
امواج اعتصابی توده ای و اعتراضات و تظاهرات سطره سراسر کتو را
باز کرده اند. طیفه نظیر سیاسی جنبش ایران وین حاسی کسب می کند. این شرکت
سوسیس سطره حوریانه حقل مقلان از طریق پاسخ شیده به دعوت است گنه
به توده ایران در شعلی رومیه به اعتصاب پلیس سراسری برای حسی کرد
اولی خویشی و مد ملی شاه و شرکا داده است. کارگان سطره و سطره
اشکانت حصر ایران با اعتصاب رومیس خود که رزم ساواک شاه را به وحشت
آورده اند است گنه سوسیس خود را به حسی اوج آورده و هر چه در حصر و
سوزان حسیای ایران، سوسیس بر داشت و سکر استواری بنیانش سوسیس
بگشاید.
اعتصاب سوز و انگیز و بر شش ۲۰۰ کارگرتاسیسات یک شگاه تهران ادامه
دارد و رزم یک شگاه گنه کارگان در چهار حصر روز اعتصاب خود در محل

با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را خنثی کنیم!

